

سنت‌های سیئه



سیدمصطفی هاشمی طبا

اگر به متون اصیل صدر اسلام و بیانات امامان دین‌مان دقت کنیم، می‌بینیم برای اصل کار و برای کارکردن تا چه اندازه ارج و قرب قائل شده‌اند. کلمه قصار مولا علی(ع) که «آنچه انسان را صیقل می‌دهد، کار است»، نمونه بارزی از توجه به کار و کارکردن است و فعل ایشان یعنی دست‌زدن به یکی از سخت‌ترین کارها، یعنی حفر قنات، نشانه ارج ایشان به افرادی است که با عمل خود، ایجاد تحول می‌کنند؛ آنچه امروز به آن کارگر و کارگری می‌گوییم. اما در حالی که در طول تاریخ از آن زمان تاکنون، همواره ادعای عمل به احکام و سیره پیامبر(ص) و امامان را داشته‌ایم، به سنت گراینده‌ایم که نه‌تنها معکوس آن نظر و عمل است، بلکه منهدم‌کننده و تخطئه‌کننده آن به شمار می‌رود. در سنت جاری در سالیان دراز گذشته، کارگر، اعم از کارگر شهری و روستایی (کشاورزی)، به موجودی با صورتی تکیده، چشمانی نگران، پوستی بر استخوان، زنده‌پوش و گرسنه اطلاق می‌شد که طبقه پایین جامعه شمرده می‌شدند و هرگز خانواده‌های متعین برای آنان شان انسانی در نظر نمی‌گرفتند. دایی‌ام در اصفهان می‌گفت ما رعیت‌ها (کارگران کشاورزی) را از دور تشخیص می‌دهیم؛ صورت آفتاب‌خورده، لباس و کلاه مندرس، لاغر و تکیده یا نگاه شرمگین. همین سنت درخصوص زنان و عورت دانستن آنان جاری و مرسوم بوده و به‌عنوان موجود ناقص‌العقل و ضعیفه به آنان نگریسته می‌شد و حتی از نام‌بردن آنان عرق شرم بر گونه آقا می‌نشست. البته که امروز نگاه‌ها تغییر کرده، اما تغییر نگاه‌ها بیشتر انفعالی بوده است تا فعال. همین امروز کدام خانواده نسبتاً متعین و امروزی دخترش را به پسر یک کارگر ساده می‌دهد و معمولاً کدام خانواده کارگر پاکبان محله را به سر سفره خود می‌پذیرد. همین باعث شده تا فرزندان کارگران از اعتراف به کارگزراده بودن خود اجتناب کنند. هرچند مواردی برعکس این هم دیده شده است؛ دخترخانمی در رسانه ملی با افتخار می‌گفت پدرم کارگر باربر بازار است و دیگری از اینکه پدرش پاکبان است افتخار می‌کرد. هرچند کم اما طلیعه نیکوست برای احترام به شان ذاتی انسان، بدون ششونات عارضی. اما یک مسئله واقعاً حل نشده است و آن اینکه باور کنیم نیازهای همه انسان‌ها مشابه است؛ یعنی همه غذا می‌خواهند، به امکانات بهداشتی نیاز دارند، به لباس و تفریح و رفت‌وآمد محتاج هستند و این‌ها حداقل برای همه یکسان است و باید به تأمین این حداقل و نیز سربیناهی در حد ممکن برای همه کارگران قائل باشیم. البته به‌ظاهر اگر از هرکس سؤال شود، پاسخ دل‌انگیز و مطلوب می‌دهد و سینه‌چاک می‌کند، اما در ذات بیشتر مایل به پاک‌کردن مسئله و فراموش‌کردن هستند تا با حقیقت صریح و بی‌پیرایه رویه‌روشدن.

از منظر دیگر نگاه کنیم. اگر کارگر

از حداقل برخوردار باشد و به سطح

رهاشدن از اندیشه صرف نان برسد،

آنگاه در رفتار و عمل او تغییر مثبتی روی

می‌دهد؛ آنچه در زاین به کنترل کیفیت

جامعه (TQC) مرسوم شد و البته قرآن

از آن به آزمون انسان برای انجام بهترین

عمل در زندگی تصریح می‌کند؛ یعنی

با روشن‌دن از اندیشه صرفا نان و حداقل

معیشت و زندگی، کارگر به ادخال اندیشه

در کار می‌پردازد و چنین می‌شود که

هر یک بهترین را انجام می‌دهند. البته آنان

که ادامه‌دهنده سنت‌های سیئه از جمله

همین سنت تحقیر کارگران هستند، به

این زودی‌ها تغییر نمی‌یابند؛ کم‌اینکه

درخصوص سنت رفتار با زنان در اجتماع،

در اعماق دل، بسیاری که تظاهر به تغییر

می‌کنند، همچنان بر ناقص‌العقل‌بودن و

ضعیفه‌بودن او پایدار هستند. اما اگر به

دین اعتقاد دارند، به آن رجوع کنند و اگر

به ارزش‌های انسانی علاقه‌مند هستند،

به آن بازگشت کنند. هرچند کوردلی و

تعصب به اندیشه نکردن و ادامه سنت‌ها

گرچه غلط، برای انسان راحت‌ترین روش

است. آنچه پیامبر(ص) آورد در زمان

خود نو بود و اگر آن اندیشه را زنده کنیم،

هرچه اینک بدعت می‌نماید، ادامه سنت

حسنة پیامبر و ائمه است و نه سنت سیئه

شکل‌گرفته در طول تاریخ. روز کارگر بر

همه انسان‌ها مبارک باد.

‏ پنجشنبه ۱۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ ۳ ذی القعدة ۱۴۴۶
می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۹۸
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه
‏ فلا